

در آمدی بر نیماپژوهی و کتاب‌شناسی نیما

دکتر ایرج مهرکی*

چکیده

نیما یوشیج در انواع مختلف ادبی طبع آزمایی کرده اما آنچه وی به آن نام بردار شده است شعرهای نو اوست که باعث شده او را به عنوان «پدر شعر نو فارسی» بشناسند. از همان زمان نیما، کتاب‌ها و مقاله‌هایی بسیار درباره شعر او نوشته شد و پس از او نیز این روند با سرعت بیش‌تری ادامه یافت. این آثار شامل مقاله‌هایی درباره شعر نیما و ویژگی‌های آن، کتاب‌هایی که اختصاصاً درباره شعر او نوشته شده، کتاب‌هایی که درباره شعر نو یا تحولات و انواع آن است و طبعاً فصل یا فصل‌هایی از آن به نیما اختصاص یافته، کتاب‌هایی که درباره دانش‌های ادبی است و در آن‌ها بحثی نیز از شعر نیما شده است، گلچین‌های شعری که آثار وی در آن‌ها چاپ شده و نیز مجموعه مقاله‌ها و یادنامه‌هاست. در این مقاله جریان حرکت تاریخی تألیف این گونه آثار و انواع آن مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها

نیما - شعر نو - نیما پژوهی - کتاب‌شناسی نیما.

* استادیار عضو هیأت علمی دانش‌کده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد کرج.

نوشته‌های نیما

نیما در طول زندگی ادبی خود، در انواع ادبی مختلفی چون داستان، نمایش‌نامه، نگارش مباحث ادبی، شعر برای کودکان، داستان‌های کودکانه، نامه‌نگاری، نوشتن یادداشت‌های روزانه، نقد ادبی، مقاله، مقدمه‌نویسی بر کتاب‌های دیگران، و نظایر آن طبع آزمایی کرد و به گونه‌ای که معلوم است، از این نوشته‌ها به عنوان یک واسطه و رسانه، انتظار داشت که در خدمت ترویج و توسعه افکار و ایده‌های مؤثر باشند، با این همه در میان آثار قلمی او، آن چه بیش از همه او را نام بردار ساخت، جنبه شاعری وی است.

شعر نیما مراحل مختلفی را طی کرد و پس از گذشتن از دشواری‌های بسیار به سرمنزل مقصود رسید، چنین بنظر می‌آید که او در نخستین مراحل شاعری خود از آن چه بعدها بدان اعتقاد راسخ و خلل‌ناپذیری پیدا کرد، چشم‌انداز و تصور روشنی نداشته است. به این سبب است که شعر نیما، مراحل مختلفی را طی کرده، و ضمن حرکت از قالب‌ها و مضامین کلاسیک به سمت فرم آزاد، از یک فرایند تاریخی هم عبور می‌کند، این فرایند شامل سرودن اشعاری متفاوت است؛ اشعاری که شکل و قالب و مضمون آن‌ها به سبک قدامت، اشعاری که شکل و قالب آن‌ها به سبک پیشینیان است ولی مضمون آن‌ها نو و بکر است، و بالاخره اشعاری به سبک نو، حاوی مضامین جدید و در قالب آزاد.

پیداست که از میان همه این آثار و نوشته‌ها، آن چه نشان دهنده ماهیت و فطرت هنری نیما یوشیج است، همان شعرهای آزاد اوست، چرا که این سروده‌ها، هم از نظر جوهر هنری و هم از جهت جهان بینی و بالاخره از منظر رویکردی آوانگارد به هستی و هنر، درخور اهمیت است، و در زمینه نثر نویسی هم، بخش عمده نوشته‌های او در خدمت تشریح و ترسیم این گرایش اخیر است.

پاره‌ای از نوشته‌های نیما در ژانر داستان است. قصه‌هایی برای کودکان (مانند «آهو و پرندگان»^۱ و «توکایی در قفس»^۲ و داستان‌هایی برای بزرگ سالان و هم‌چنین نمایش‌نامه‌هایی که گاهی از سر تفنن می‌نوشت. او در نوشتن در این گونه‌های ادبی توفیق چندانی به دست نیاورد و زمانی رسید که به تشخیص و صلاح دید خود، تمام وقت و توان خود را مصروف دو کار اساسی و مهم نمود و از پرداختن به امور دیگر پرهیز کرد. این دو موضوع، یکی سرودن شعرهای آزاد و دیگری نوشتن مطالبی جهت ترسیم

چارچوبی برای قواعد و معیارهای این نوع جدید ادبی و اقناع مخالفان و منتقدان سرسخت خود، برای به رسمیت شناختن آن، بود.

یادداشت‌های روزانه نیما که مربوط به دوره خاص و کوتاهی از زندگی او، و شامل ایام اقامتش در بارفروش است، نوعی دیگر از نوشته‌های اوست که علی‌رغم حجمی اندک که دارد و به لحاظ ادبی فاقد اهمیت و ارجی در خور است، اما از برخی جهات حائز توجه و کنکاش است، اهمیت این نوشته‌ها از جهات تاریخی و اجتماعی و زندگی شخصی نیما، و نه لزوماً زندگی ادبی و فکری اوست.

نیما در این دوران تلاش می‌کند «روزانه نویسی» را به عنوان یک شیوه جدید مورد آزمایش قرار داده از روزنوشته‌ها، به عنوان شکلی از نگارش، برای ایجاد ارتباطی متفاوت با خواننده بهره گیرد. البته در زمره خصوصیات و خلقیات فردی و عاطفی نیما، اهمیت دادن به آینده و برجای گذاشتن رد پاهایی هرچه عمیق‌تر برای نسل‌های بعد، مسأله‌ای مهم و دغدغه‌ای عمیق به شمار می‌رود. به گونه‌ای که او در نامه‌هایی که به شین. پرتو و دیگران می‌نویسد، مدام به این نکته اشاره دارد که پس از درگذشت ما، نسل‌های بعدی درباره کارهای ما داوری غایی را انجام خواهند داد.

شاید یادداشت‌های نیما صرف نظر از هر کارکرد دیگری، از زاویه نگاه به این روحیه شاعر افسانه، قابل تأمل و توجه باشد. یادداشت‌ها و مشاهدات نیما در بارفروش، از تاریخ جمعه ۲۰ مهرماه ۱۳۰۷ شروع می‌شود و در تاریخ شب ۸ آبان ماه ۱۳۰۷ پایان می‌رسد. نیما برای برخی از یادداشت‌های روزانه عنوانی انتخاب کرده است مانند: «از بالای مهمان خانه»، «در اوجابن»، «دست فروش‌ها»، «خیابان شاه‌پور»، «پنج شنبه بازار»، «در کارخانه پنبه»، «قیمت اجناس» و...

بنظر می‌رسد که نیمایوشیج در نوشتن این متن‌ها، بی‌تأثیر از سفرنامه ناصر خسرو نبوده، به گونه‌ای که گاهی به سبک و سیاق شاعر یمگان، سعی دارد جزئیاتی از محیط زندگی خود، مانند قیمت اجناس و نوع رفتار و زندگی مردم و شکل و شمایل محیط را، بدقت توصیف کند و تصویری روشن از آن‌چه در مقابل دیدگانش قرار دارد، ارائه نماید. از جمله در قسمتی از یادداشت‌های خود، قیمت برخی از کالاها را بدین شکل، با ذکر جزئیات شرح می‌دهد: «برنج، یک من چهار قران»، «نقط، ۳۰۰ دینار»، «ذغال، یک من ۳۰۰ دینار»، «سه خروس قشنگ از پنج شنبه بازار خریدم ۵ قران»، «غاز ۱۵ شاهی» و...^۳

لازم به ذکر است که قسمتی از این یادداشت‌ها تاکنون منتشر شده^۴ ولی بخش عمده‌ای از آن‌ها هنوز بچاپ نرسیده است.

بخش دیگری از نوشته‌های مهم نیما، نامه‌های اوست، به همت و کوشش سیروس طاهباز. نامه‌های نیما در چند مرحله منتشر شد و سرانجام مجموع آن‌ها در یک مجلد به طبع رسید. این نوشته‌ها حاوی اطلاعات ذی‌قیمتی درباره زندگی شخصی، دشواری‌های او در معاش و حیات، دیدگاه‌های اجتماعی، رویکردهای سیاسی و ادبی و طرز تلقی ایدئولوژیک او از جهان پیرامونی است. نیما در نوشتن قسمت عمده‌ای از نامه‌های خود، که دارای گرایشی رمانتیک و احساساتی است، تحت تأثیر نوشته‌های گوته در اثر مشهور خود «پورتو» است. زمانی که نیما به نوشتن نامه‌ها مبادرت می‌کرد، محمد صفارزاده کتاب گوته را در سال ۱۳۰۳ به فارسی ترجمه و منتشر کرده بود.^۵ نامه‌های نیما در بردارنده طیف وسیعی از مطالب و موضوعات است و در ترسیم روابط او با اشخاص و آدم‌های پیرامونش، اعم از چهره‌های سرشناس ادبی، روزنامه‌نگاران، برخی از سیاستمداران، فعالان فرهنگی، افراد خانواده و فامیل، آشنایان و اهالی محل و نظایر آن، بسیار با اهمیت هستند. نثر نیما در نامه‌ها، از سلامت و سلاست بیش‌تری برخوردار است، هرچند که در برخی از آن‌ها، به دلایل نامعلوم، می‌توان ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های خاص نیما را در نثر نویسی مشاهده کرد. در برخی از این نامه‌ها می‌توان به پاره‌ای از اشتباهات نیما در پیش‌بینی مسائل و نادرستی معدودی از داورهای ادبی او پی‌برد. او در نامه بلندی که به شین. پرتو می‌نویسد، از او به عنوان یک چهره بی‌بدیل ادبی و کسی که آینده درخشانی دارد، یاد می‌کند، این در حالی است که بعدها مشخص شد که پرتو، نه تنها در شعر که در داستان نویسی نیز ارج و مقامی درخور آن چه نیما پیش‌بینی کرده بود، نیافت.^۶ اهمیت پرتو برای نیما در این بود که در زمان خود یکی از هم‌گام‌ترین و هم‌سوترین شاعران با دستگاه فکری و ادبی او بشمار می‌رفت.

دسته‌ای دیگر از نوشته‌های نیما که در مطالعه نظریات ادبی و جهان‌نگری فلسفی و هنری وی حائز اهمیت فراوان است، مطالبی است که او برای تبیین دیدگاه‌هایش به رشته تحریر درآورده است. این مطالب در دو کتاب «حرف‌های همسایه» و «ارزش احساسات» جمع‌آوری و چاپ شده است. «ارزش احساسات» هم‌چنان که در ادامه مطرح خواهد شد، مجموعه مقالاتی است که او در مجله موسیقی به طور سلسله‌وار بچاپ رساند، اگرچه او در زمینه نثر نویسی زبردست نبود و اساساً توانایی نوشتن نثر روان و زیبا را نداشت، اما حتی در قیاس با دست نوشته‌های خودش، نثر این کتاب، یکی از دشوارترین و خشک‌ترین نثرهای اوست. شاید به این دلیل که او برای نوشتن این متن، برخلاف نامه‌ها و یادداشت‌های روزانه‌اش، هیچ الگویی نداشته است. نثر این کتاب حاوی جملاتی خشک همراه با مباحثی مشکل در باب عقاید فلسفی

و هنری و مکاتب هنر و ادبیات جهان است. نیما از صفحه ۱۲۸ تا صفحه ۱۴۳ به طور مستقیم وارد فضای هنری و ادبی ایران می‌شود و اجمالاً عقاید خود را در این باره و تأثیرپذیری ادبیات ایران از ادب و هنر مغرب زمین بیان کرده و دیدگاه‌هایش را درباره شاعران و نویسندگان مطرح آن زمان به صورت فهرست‌وار مطرح می‌کند. او بحث را از قرن چهاردهم و از نوشته‌های طالبوف شروع کرده و با «منتخبات آثار شعرای معاصر»، به پایان می‌برد. این کتاب به واقع مانیفست شعر نو و نخستین اثر تفصیلی و تفسیری درباره آن است که اصول و موازین تازه‌ای را شرح می‌دهد. مطالب این مجموعه، راه گشای مسیر تازه‌ای در شعر فارسی است و در تاریخ نقد شعر اهمیت فراوانی دارد. «ارزش احساسات»، در عین حال، نخستین اثر نظری در باب شعر نو بشمار می‌رود و مهم‌ترین مقاله تئوریک وی نیز محسوب می‌شود. نیمایوشیچ در این مقاله با تطبیق ادبیات و هنر غالب ملل، به معرفی عقاید فلسفی و هنری گروهی از فلاسفه و عرضه افکار و آرا بعضی از بزرگان دنیا و شناساندن ادبیات و هنر ایران و اقوام مختلف جهان و... پرداخته است.

با نوشتن «حرف‌های همسایه» نیمایوشیچ درصدد برآمد تا موازین و معیارهای شعر نو و مدرنیسم مورد نظر خود را تشریح کرده، چارچوبی برای اندیشه‌های هنری، فرم ادبی و مفاهیم فلسفی خاص خود ایجاد نماید. «حرف‌های همسایه» شامل نامه‌هایی است که او به شکل خطابی برای همسایه خیالی می‌نویسد. مضمون این نامه‌ها به طور کلی درباره مسائل مورد علاقه نیما در زمینه هنر و ادبیات پیش‌رو است. مطالبی که او علاقه‌مند است برای جامعه هنری - ادبی و نسل‌های آینده ترسیم کرده به یادگار باقی بگذارد. سه شماره از این یادداشت‌ها در مجله‌های «خروس جنگی» و «کویر» در سال ۱۳۲۸ منتشر شده و مابقی آن‌ها، که به طور پراکنده و روی کاغذهای مختلف در میان انبوه دست نوشته‌های نیمایوشیچ باقی مانده بود، سیروس طاهباز گردآوری و تنظیم کرد و نخستین بار در سال ۱۳۵۰ به شکل کتابی مستقل بچاپ رسید.^۷ آن کتاب شامل ۷۱ یادداشت یا نامه بود. به نوشته طاهباز، پس از آن تاریخ در میان دست نوشته‌های نیما ۶۶ یادداشت دیگر نیز با همین عنوان‌ها یافت شد که به چاپ بعدی حرف‌های همسایه افزوده شد و به این ترتیب شماره حرف‌های همسایه به ۱۳۷ یادداشت رسید. براین اساس «پیش‌ترین تاریخ یادداشت به سال ۱۳۱۸ و آخرین نوشته به تاریخ فروردین سال ۱۳۳۴ است».^۸

اگرچه نوشته‌های نیما بسیار زیاد است، اما آن چه ذکر شد اجمالاً در بردارنده مهم‌ترین آثار قلمی او، به مثابه ترسیم‌کننده ماهیت و هویت تاریخی و ادبی وی است.

نوشتن دربارهٔ نیما

هنگامی که نیمایوشیج بدرود حیات گفت در واقع وظیفهٔ خود را به عنوان پرچمدار تحول طلبی در شعر و ادبیات معاصر فارسی تا جایی که به او مربوط می‌شد، به نحو احسن انجام داده بود. او «گونی نوشته‌ها»یش را به وصی امینی چون دکتر محمد معین سپرده بود و از حسن اتفاق جوانی پیدا شده بود که قصدداشت تمام عمر خود را برای بازپیرایی و آماده کردن و انتشار این آثار، صرف کند. سیروس طاهباز با به عهده گرفتن این امر مهم نقش بسیار ارزنده‌ای در این زمینه ایفا کرد. از طرف دیگر حالا او شاگردان و پیروانی مصمم داشت که می‌توانستند علاوه بر تبیین نکات و قسمت‌های تاریک ایده‌ها، نظریه‌های ادبی، و رویکرد مدرن او به ادبیات و هنر، گشایندهٔ مرزهای جدیدتری هم باشند. از این رو پس از مرگ نیما، روند نوشتن دربارهٔ حیات شاعری و ره‌یافت فکری او شتاب بیش‌تری گرفت، اگر چه در زمان حیات او تلاش‌هایی برای شناساندن هرچه بیش‌ترش به جامعهٔ ادبی و فرهنگی از طرف معدود علاقه‌مندانش آغاز شده بود، اما عمده‌ترین تلاش‌ها پس از درگذشت او محقق شد.

احمد شاملو و تنی چند از پیروان او توری و ایده «عبور از نیما» را به مرحلهٔ اجرا درآوردند، اما در عین حال برای بنیان‌های ادبی و جهان‌نگری نیما ارزش قائل بودند و در کلیات و اصول به پیروی از اندیشه‌های او ادامه دادند. مهدی اخوان ثالث که سبک و شیوهٔ نیمایی را با مکتب خراسانی در هم آمیخته و روش خاص خود را ابداع کرده بود، در تشریح کیفیات وزن و عروض نیمایی بلندترین و جدی‌ترین گام‌ها را برداشت. او با نوشتن مقالاتی دربارهٔ شعر و عروض نیمایی در قامت یک تئوریسین انکارناپذیر، ستون‌های پایگاه ادبی نیما را مستحکم‌تر کرد. برای مثال مقالهٔ «نوعی وزن در شعر فارسی»، او را به عنوان مسلط‌ترین فرد در جای‌گاه تبیین وزن و عروض نیمایی نشان می‌دهد. این مقاله بارها و بارها در مجلات و مجموعه‌ها و جنگ‌های مختلف تجدید چاپ شد و نقش بارزی در روشن‌گری عروض نیمایی داشت، به گونه‌ای که در توضیح این مسأله حتی زبان و قلم خود نیما به صراحت و دقت اخوان نبود. اخوان ثالث در این مقاله که برای اولین بار در شماره سوم جنگ «در راه هنر» بچاپ رسید، شعر «می‌تراود مهتاب» را به طور کامل تقطیع کرد و ضمن آشکارکردن ویژگی علمی، اساسی و پشتوانه‌دار نظریات نیما، به روشن‌گری دربارهٔ شعر نیمایی به طور عام دست زد. این مقاله جامع‌ترین و دقیق‌ترین تحقیق و توضیحی است که تاکنون در خصوص وزن نیمایی و ترسیم نقشهٔ عروضی نیما و تفاوت‌ها و تمایزهای آن با عروض سنتی نوشته شده است. کار اخوان در ترسیم و تحکیم مبانی شعر و عروض نیمایی به این جا

ختم نشد و در ادامه با نوشتن مقالات بلندی مانند «عطا و لقای نیمایوشیج»^۹ به این رسالت تاریخی و ادبی خود ادامه داد. خط اصلی بحث در این کتاب، مباحث دستور زبانی، هنجارگریزی‌های زبانی و نحوی نیما و مسائل خاصی است که در شعر و زبان نیما دیده می‌شود. در این نوشته‌ها معمولاً اخوان ثالث، با مقایسه شعر نیما با شعر شاعران گذشته فارسی، تلاش کرده است هم‌گونی‌ها و ناهم‌گونی‌های زبان نیما با زبان شعر کلاسیک فارسی را نشان داده کیفیت و ویژگی‌های زبان شعر او را تبیین کند. از این گذشته پیروی کسانی مانند اخوان ثالث از نیما به منزله مهر تأییدی است بر حقانیت پدر شعر نو، چرا که شعر اخوان در قیاس با شاگردان دیگر نیما، دارای زبان، ویژگی‌ها و مضامین کلاسیک بیش‌تری بود و به همین سبب طرفداران سنت‌های ادبی شعر او را تأیید می‌کردند و نیما، به عنوان استاد مسلم وی، از آثار مثبت این گرایش تأیید آمیز بی‌نصیب نمی‌ماند. اخوان ثالث به عنوان یکی از مستعدترین شاگردان نیما اگرچه به لحاظ جهان‌بینی اجتماعی، سیاسی و بن‌مایه‌های فکری، دقیقاً به دنبال نیما حرکت نمی‌کرد و سرچشمه‌های مضامین خود را در مکتب خراسانی و ایران باستان جست و جو می‌نمود، اما در خصوص درک و تبیین عروض نیمایی، یکی از وفادارترین شاگردان او بود. مهدی اخوان ثالث پس از جلال آل احمد جدی‌ترین کسی بود که علاوه بر فعالیت‌های شعری و ادبی خود و تلاش در جهت سامان دادن به سبک فردی‌اش، دفاع از نیما و تشریح و تحشیه بر نظرات نیما و افزودن بر گنجینه او را به عنوان یکی از مسؤولیت‌های جدی خود می‌دانست. علاوه بر منابع پیش گفته می‌توان بخشی از این تلاش‌ها را در کتاب «بدعت‌ها و بدایع نیمایوشیج»^{۱۰} ملاحظه کرد. این تلاش‌ها بسیار ریشه‌دارتر و مسؤولانه‌تر از فعالیت‌ها و حرکت‌های کسانی چون سیاوش کسرای بود که در این زمینه دست به اقداماتی زده بودند. جلال آل احمد نیز اگرچه در گروه تدوین کنندگان آثار نیما چندان ماندگار نشد، اما پس از مرگ نیما، با نوشتن مقالات و گزارش‌هایی درباره زندگی و مرگش، با تلاش‌های خود در جهت ترسیم چهره ادبی و هنری نیما در آن عصر نقش عمده‌ای ایفا کرد. بدین ترتیب، در امتداد فعالیت‌های قلمی این عده معدود، به مرور زمان، پژوهش و نگارش درباره نیمایوشیج ترویج و تکثیر بیش‌تری یافت.

در میان کتاب‌هایی که در زمان حیات و یا پس از درگذشت نیما نوشته شد، آنتولوژی‌های شعر پربسامدترین مجموعه‌ها هستند. در آغاز این مجموعه‌ها عموماً شعرهایی از نیمایوشیج، به عنوان شاعری پیش‌رو و در عین حال قدیمی، دیده می‌شود. این مجموعه‌ها معمولاً به چند روش تدوین شده‌اند. برخی، حاوی مقدمه‌ای هستند که

شامل نگاهی است اجمالی و کلی به ماهیت شعر معاصر، شعر نو، یا موضوعی که آنتولوژی به مناسبت آن و درباره آن فراهم آمده است. نوشته‌های ابتدای این کتاب‌ها بسیار بندرت در بردارنده نکاتی تازه و نویافته است. در برخی از این مجموعه‌ها، نخست شرح حال هر یک از شاعران و سپس مقدمه مختصری درباره شعر آنها بیان می‌شود و پس از بررسی ویژگی‌های سبکی و اهمیت شاعری آن‌ها در عرصه شعر معاصر، تعدادی از اشعار به فراخور سلیقه گردآورنده نقل می‌شود. برخی از مجموعه‌ها نیز بدون هیچ نوع توضیحی فقط متضمن قطعاتی از شاعران است که به ترتیب تاریخی یا الفبایی نام شعرا به دنبال هم آمده و دارای هیچ روش و معیاری نیست. «راهیان شعر امروز»^{۱۱} از داریوش شاهین که در دو جلد به طبع رسید، از جمله این مجموعه‌هاست که در زمان خود داعیه پرتیراژترین کتاب شعر و توفیق در بازار نشر را هم داشت. این کتاب گزیده‌ای از شعر شاعران معاصر است، بدون هیچ توضیح و یادداشتی.

با این حال اولین اثر ارزشمندی که به معرفی نیما پرداخت و با این معرفی نام او را با رسمیتی اجتماعی و ادبی همراه کرد، برگزیده شعری از این نوع است که محمد ضیاء هشت‌رودی با عنوان «منتخبات آثار از نویسندگان و شعرای معاصرین»^{۱۲} در سال ۱۳۰۳ منتشر کرد. آنچه از نیما در این مجموعه درج شده بود، یک قسمت از منظومه «محبس» بود که به شیوه مکالمه و مناظره سروده شده است. نکته مهم در انتخاب هشت‌رودی این بود که ذکر نام نیما در این مجموعه در واقع مهر تاییدی بود بر شیوه شاعری او و به رسمیت شناختنش به عنوان یک شاعر رسمی و معتبر و قابل تأمل، چرا که هنگام چاپ این اثر، کتاب‌های برگزیده شعری که از شاعران یک دوره به چاپ می‌رسید، دارای اهمیت تاریخ ادبی حتی نقد ادبی بود و برخلاف آن چه در دهه‌های بعد مرسوم شد، فارغ از فرایند کتاب‌سازی و سطح‌نگری، به عنوان یک گزارش معتبر از فضای ادبی زمان، ارج ادبی بسزایی داشتند و در چاپ و انتشار آن‌ها الزامات اجتماعی و هنری و ادبی بسیاری مورد نظر قرار می‌گرفت. به همین دلیل بود که چنین انتخابی از طرف هشت‌رودی مورد انتقاد بسیاری از ادبا، منتقدان و مخالفان نیمایوشیج قرار گرفت.

تهور و شجاعت هشت‌رودی در آوردن نام نیمایوشیج در میان شعرای رسمی چنان برای نیما اهمیت داشت که او بعدها، که جای‌گاه و اهمیت سزاوار خود را در محافل ادبی حتی به عنوان «پدر شعر نو» و نظریه‌پرداز این نوع ادبی بدست آورده بود، در کتاب «ارزش احساسات» که عمده‌ترین اثر نظری او بشمار می‌رود، از سر قدرشناسی یادی از هشت‌رودی و کتاب «منتخبات آثار»^{۱۳}ش کرد و اهمیت آن را مورد تأکید قرار

داد. به این ترتیب هشت‌رودی در میان نخستین شناسانندگان نیما جای‌گاهی مهم به خود اختصاص داد.

از این پس اشعار نیمایوشیج تقریباً در تمام کتاب‌هایی از این دست، که اکنون شمار آن‌ها بالغ بر صدها عنوان است، دیده می‌شود. جز در جاهایی که اشعار او در زمره محور انتخاب اشعار آن اثر نباشد. برای مثال وقتی کتابی دربارهٔ غزل سرایان گردآوری شود، طبعاً نامی از نیما در آن برده نمی‌شود.

اما در عرصهٔ معرفی و نقد نظریه‌پردازانه، جدی‌ترین یا به تعبیری اولین منتقد جدی نیما که به معرفی نیما و شرح و توضیح روش شاعری او همت گماشت، جلال آل احمد بود. آل احمد در مجموع بیش از ده مقاله^{۱۳} دربارهٔ نیما نوشت که از آن میان در چند نوشته، به واکاوی و شرح و بسط نظریه‌های ادبی نیما و توضیح شعر آزاد به مثابه یک نوع ادبی، پرداخت و گام‌های مهم و جدی جهت تثبیت موقعیت نیما برداشت. دانش آل احمد دربارهٔ شعر معاصر، نسبتاً کافی بود و در قیاس با بسیاری دیگر، که دستی از دور بر آتش «نوآوری» و «نوگرایی» داشتند و در عین حال خود در زمره شاعران بودند، از بنیان‌ها و پشتوانه‌های عمیق‌تری برخوردار بود. آل احمد بدون این که خود شاعر باشد، در آن زمان، درست‌ترین نظریه‌ها و تحلیل‌ها را دربارهٔ شعر نیما بدست داد. او برای درک آن چه نیما خلق می‌کرد و برای تفسیر «دربایست»‌ها و متدی‌های این خلاقیت، نوشته‌های نیما را به دقت و کلمه به کلمه و بارها و بارها مطالعه می‌کرد و ضمن قیاس آن‌ها با نمونه‌های خارجی، تلاش می‌کرد به گونه‌ای اصولی و روشمند، این نوع ادبی جدید را تشریح کرده به تفسیر معیارهای آن بپردازد.

آل احمد از طریق این مطالعات جدی که گویا در مراحل اولیه فقط برای یاری رساندن به نیما انجام می‌داد، بتدریج به یک منتقد ادبی تمام‌عیار تبدیل شد که می‌توانست درباره کلیت و ماهیت شعر نو نظریه‌پردازی کند و به نقد شاعران دیگر و آثارشان بپردازد. نقدهایی که او بر کتاب‌های کسانی چون محمدعلی سپانلو و محمدرضا اصلانی^{۱۴} نوشته است، دست‌آوردهای نقد پژوهی او در این زمینه بوده که به دنبال تتبع در آثار نیما بدان دست یافته بود.

دستیابی کوتاه مدت نیمایوشیج به مجله موسیقی به عنوان یک جای‌گاه قابل اتکا و پایگاهی مستحکم در خدمت ترویج اندیشه‌های اصلاح طلبانه و پیش‌رو خود، در کنار امکاناتی که آل احمد و برخی دیگر در اختیار او می‌گذاشتند، در یک مقطع زمانی این امکان را برای او فراهم آورد تا مبانی اصول فکری خود را به جامعه و محیط هنری و ادبی آن زمان عرضه کند. این زمان مصادف با برهه‌ای از زندگی نیما بود که او به

پختگی کامل رسیده بود، چه از نظر فن و هنر شاعری و چه از منظر نظریه‌های ادبی، اجتماعی، سیاسی.

بنظر می‌رسد که رمز توفیق نیما و آل احمد در به کرسی نشاندن اندیشه‌های مشترکشان، حرکت بر مدار تعادل و میانه روی بود. از این نظر است که می‌بینیم تندروان هر دو جناح پیش و پس از نیما (شامل کهن گرایان سنیت و مدرنیست‌های افراطی)، هیچ یک، توفیقی به دست نیاوردند.

پس از این مرحله گذار، که عده معدودی درباره نیما می‌نوشتند، مرحله‌ای تازه آغاز می‌شود که نوشته‌ها، کتاب‌ها، و رسالات و مقاله‌های متعددی درباره او تحریر می‌شود. مجله‌های مختلف به هر بهانه‌ای شعر و مطلبی از نیما بچاپ می‌رسانند و از اسم «استاد نیما» جهت گرمی بازار خود بهره می‌برند. این موضوع اگرچه هم زمان با سال‌های پایانی عمر نیما (که دوره عزلت او هم بشمار می‌رفت)، آغاز شده بود، اما پس از مرگ او شدت بیش‌تری پیدا کرد.

با افزون شدن تعداد، این نوع کتاب‌ها از نظر کیفی دچار سطحی نگری و ابتذال می‌شد، و سیل گزینه‌های اشعار نیما و آنتولوژی‌هایی که شعرهایی از نیما در آن‌ها بود، و کتاب‌هایی در شرح و تحلیل آثار او، روانه بازار نشر می‌شد. البته نباید نادیده گرفت که در کنار چاپ آثار کم ارزش، برخی از کتاب‌ها و تحقیقات ارزشمند و روشنگر درباره زندگی و شعر نیما هم منتشر می‌شد که این امر تاکنون به طور پراکنده ادامه داشته است.

در این میان آثاری وجود دارد که تنها درباره زندگی و شعر نیما نوشته شده است. این کتاب‌ها به دلیل دشواری‌های خاصی که تألیف آثار بنیادین به همراه دارد، در زمینه نیماشناسی دارای کم‌ترین تعداد هستند.

به لحاظ تاریخی نخستین اثر مستقلی که درباره نیما نوشته شد و سهم قابل ملاحظه‌ای در شناساندن وی به جامعه ادبی و هنری زمان داشت، کتاب «نیمایوشیج، کیست و چیست؟» نوشته احمد ناصحی بود که در بهمن ۱۳۳۳ منتشر شد. بعد از او جنتی عطایی کتابی درباره نیما نوشت به نام «نیمایوشیج، زندگی و آثار او». و وی دومین کسی بود که در جهت ترویج اندیشه‌های نیما و معرفی او اقدام به تألیف کتابی مستقلی کرد.

در میان این آثار دو کتاب که در سال‌های اخیر نوشته شده است دارای روش و اهمیت ویژه‌ای است؛ «خانه‌ام ابری است، شعر نیما از سنت تا تجدد»^{۱۵}، و «داستان دگرپرسی»^{۱۶}. همچنین کتاب‌های دیگری چون «پر درد کوهستان، زندگی و شعر

نیمایوشیخ به قلم سیروس طاهباز» و «شعر زمان ما - نیمایوشیخ» نوشته محمد حقوقی و چند اثر دیگر را هم می‌توان در زمره آثار روشمند و مهم درباره نیما بشمار آورد. از مهم‌ترین نقاط ضعف این آثار بخش زندگی نامه نیماست، تا جایی که می‌توان گفت عمده‌ترین زندگی نامه، همان متن کوتاهی است که او برای چاپ در کتاب «اولین کنگره نویسندگان ایران»^{۱۷} به قلم خود تقریر کرد و نویسندگان بعدی تقریباً مطلب قابل ملاحظه‌ای بر این مقدار نیفزوده و عموماً به اشکال مختلف به بازنویسی نوشته نیما پرداخته‌اند، و در این میان جامع‌ترین زندگی نامه نیما را می‌توان در آثار جنتی عطایی و سیروس طاهباز دید.

علاوه بر کتاب‌های مستقل درباره نیما، بخش عمده‌ای از مآخذی که به نیمایوشیخ اختصاص دارد، شامل کتاب‌هایی است که در موضوعات شعر نو و یا ادبیات فارسی نوشته شده و در بخش‌هایی از آن‌ها، مطالبی درباره نیما نوشته شده است. زمینه‌های مختلفی مثل انواع ادبی، فنون و آرایه‌های ادبی، وزن عروضی و عروض شعر نو، وزن موسیقایی، مکاتب ادبی، نظریه‌های ادبی جدید. علاوه بر آن در کتاب‌های آموزشی و دانش‌گاهی و پایان‌نامه‌های تحصیلی با موضوع ادبیات، نحله‌ها و شعبه‌های جدید شعر، مدرنیسم، سنت و نوآوری، فلسفه ادبیات، بحث‌های مربوط به شعر اجتماعی - سیاسی و از این قبیل نیز بخشی به نیما یوشیخ اختصاص یافته است. کتاب «چشم‌انداز شعر نو فارسی»^{۱۸} به قلم حمید زرین کوب که کتاب ارزشمند و عمیقی در زمینه معرفی شعر نو فارسی است، در زمره یکی از بهترین نمونه‌های این گونه کتاب‌هاست. در فصل دوم این اثر با عنوان «تجدید واقعی در شعر فارسی یا تولد شعر نو» (صفحات ۴۶ تا ۷۷)، به شکلی روشمند و اصولی به معرفی نیمایوشیخ و روند تکاملی تکوین شعر نو فارسی در سایه حرکت نیما و شاگردان بعدی وی پرداخته شده است. کتاب‌هایی مانند «صور و اسباب در شعر امروز ایران»^{۱۹} نیز از همین قبیل آثار است.

از آن‌جا که نیما برای تبیین اندیشه و نظریه‌های شعری خود، برخی از نمونه شعر شاعران هم‌عصر خود هم‌چون اسماعیل شاه‌رودی، نصرت رحمانی، احمد شاملو، شین پرتو و دیگران را نقد کرده است نام او در آثاری که در نقد ادبی یا تاریخچه آن نگاشته شده است نیز دیده می‌شود. برای مثال در کتاب «پیشگامان نقد ادبی ایران»^{۲۰} به تفصیل به جایگاه نیما و عملکرد مستقیم و غیرمستقیم او پرداخته شده است. مؤلف در صفحات ۲۴۵ تا ۲۹۱ این اثر، ضمن درآمدی بر ویژگی‌های نیما و فراز و نشیب‌های روحی و فکری او و تلاش‌های گسترده او برای ایجاد دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی

به این مسأله اشاره می‌کند که مهم‌ترین مقاله نیما «ارزش احساسات» علی‌رغم منسجم نبودن و نداشتن شالوده روشن و منظم، مهم‌ترین و نخستین بیانیه مفصل و متجددانه است که بر ضد شعر کهن و نگاه سنتی نوشته شده است، و سپس به تفصیل به مباحثی درباره نیما می‌پردازد.

در میان کتاب‌ها یا مقالاتی که درباره نیما نوشته شده، برخی نیز به ارتباط نیما با دیگران می‌پردازند. از میان کسانی که ارتباط تنگاتنگی با نیما داشته‌اند جلال آل احمد سرآمدترین است. رابطه آل احمد و نیمایوشیج به دلیل همسایگی آن دو در آخرین خانه‌ای که نیما در تجریش برای خود ساخته بود، مسائل مربوط به حزب توده و علاقه‌مندی‌های نیما (و یا عدم علاقه او به مسائل این حزب) و جذابیت‌های مفهوم و مسأله مدرنیسم به طور کلی و مدرنیسم در ادبیات به طور اخص برای آل احمد، از اهمیت خاصی برخوردار بود و شاید به این دلایل بود که آل احمد به جدی‌ترین حامی نیما تبدیل شد.

یکی از کتاب‌هایی که به این ارتباط دوسویه اختصاص یافته، «در پس ابرها» نام دارد.^{۲۱} اگرچه این اثر بیش‌تر با رویکردی سیاسی و لحنی شتاب‌آلود، نوشته شده و درباره شعر نیما به معنای ادبی و بحث‌های مربوط مسائل فنی و تاریخ ادبی شعر او، سخنی در آن نیست، اما به طور کلی در خصوص ارتباط نیمایوشیج با جلال آل احمد مشخص‌کننده خطوط عمده‌ای از این رابطه است.

از دیگر آثاری که در خصوص نیما خاصه از زمان درگذشت او به این سو گردآوری شده است می‌توان به یادمان‌ها و جنگ‌های مناسبتی اشاره کرد، این مجموعه‌ها صرف نظر از نشریات و مجلاتی که بعد از درگذشت نیما، ویژه‌نامه‌هایی برای او ترتیب دادند^{۲۲} به عنوان کتاب، حاوی مطالب ارزشمند و راه‌گشایی هستند که از آن میان می‌توان به کتاب «یادمان نیمایوشیج»^{۲۳} اشاره کرد.

گردآوری نوشته‌های نیما

اولین جمع‌آورنده آثار نیمایوشیج، دکتر جنتی عطایی بود که چند قصیده نیما را چاپ کرد. البته با توجه به این که نیما در آغاز هنوز خود را بطور کلی از ادبیات کلاسیک جدا نکرده و راه خود را به طور مشخص و واضح انتخاب ننموده بود، توجه گردآورندگان آثار او و گردآورندگان مجموعه‌های شعر معاصر، به آثار کلاسیک نیما عجیب نیست.

از دیگر کتاب‌هایی که جنتی عطایی گردآوری و چاپ کرد می‌توان به کتاب «نیمایوشیج، زندگانی و آثار او»^{۲۴} اشاره کرد. عطایی این کتاب را به عنوان اولین اثر گردآوری شده به نیما تقدیم کرد. این زمان مصادف با زمانی بود که نیما به شمال رفته و در آن جا زندگی همراه با انزوا و عزلت را انتخاب کرده بود. کتاب حاوی مقدمه‌ای از جنتی عطایی است و زندگی‌نامه‌ای از نیمایوشیج است که در واقع اولین زندگی‌نامه جامع نیماست که کسی دیگر غیر از خودش نوشته است. این مطلب که «سراینده پیشاهنگ» نام دارد در تاریخ مهرماه ۱۳۳۴ نوشته شده است. در ضمن کتاب حاوی تقدیم‌نامه‌ای است با این مضمون: «استاد عزیز [نیمایوشیج]: این هدیه را که به مناسبت آغاز شصتمین سال زندگانی شما تهیه کرده‌ام، به شما و کسانی که مشتاق شناختن شما هستند تقدیم می‌کنم: ابوالقاسم جنتی عطایی».

هم‌چنان که از متن تقدیم‌نامه برمی‌آید، در آن زمان هنوز هم مسأله اصلی «شناختن نیما» و معرفی او به جامعه ادبی و هنری بوده است. تلاش جنتی عطایی در میان معدود تلاش‌های دیگری که در آن زمان انجام می‌شد، از این منظر قابل ملاحظه است که تا آن زمان هنوز مجموعه‌ای از اشعار نیما بچاپ نرسیده بود و چاپ‌گزینه یا بخشی از اشعار او امری غیرمتعارف بشمار می‌رفت و جلال آل احمد در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته، این مسأله را گوشزد می‌نماید.

کار دیگر جنتی عطایی چاپ منظومه «مانلی» بود که در شهریورماه ۱۳۳۶ در تهران چاپ شد. فعالیت دیگر جنتی عطایی در معرفی نیما و ثبت نوشته‌ها و آثار نظری و هنری او گردآوری، تدوین و چاپ کتاب «ارزش احساسات»^{۲۵} بود. این اثر، حاوی مجموعه مقالاتی است که نیما از شماره دهم سال اول (دی ماه ۱۳۱۸) تا شماره نهم سال دوم (آذرماه ۱۳۱۹) تحت عنوان «ارزش احساسات در زندگی هنرپیشگان» در مجله موسیقی نوشت. اسماعیل جنتی عطایی با بررسی دوره‌های این مجله این مقالات را به صورت کتابی مستقل تدوین کرده و در سال ۱۳۵۵ بچاپ رسانید. سبک نگارش نیما در این اثر بیش از حد پیچیده و گنگ است و گردآورنده برای تسهیل در فهم این مطالب با افزودن حواشی و توضیحاتی به آن‌ها تلاش می‌کند درک مطالب را برای خواننده تسهیل نماید.

سیروس طاهباز زندگی برای نیما

بعد از جنتی عطایی که نخستین بار بخشی از آثار نیما را گردآوری کرد و با مقدمه خود شاعر بچاپ رسانید، و سپس تا حدی به گردآوری و انتشار آثار او ادامه داد،

سیروس طاهباز جدی‌ترین کسی بود که به تتبع در آثار نیما یوشیج پرداخت. طاهباز تقریباً تمام عمر خود را صرف بازخوانی نوشته‌های خطی نیما، ویرایش و تصحیح و آماده کردن این نوشته‌ها برای انتشار کرد. جلال آل احمد در یادداشت کوتاهی که در ابتدای برخی از آثار نیما یوشیج بچاپ رسیده، به کوتاهی به وصیت‌نامه نیما اشاره می‌کند و می‌نویسد که پس از گردآمدن عده‌ای برای تدوین و استخراج آثار نیما و پراکنده شدن آن‌ها؛ سرانجام کار به عهده سیروس طاهباز گذاشته شد. در میان کسانی که بر سر آثار باقی‌مانده از نیما یا «گونی» مشهور نوشته‌های او گردآمدند، کسانی چون شاملو و همسرش، دکتر محمد معین (به عنوان وصی نیما)، جلال آل احمد، سیروس طاهباز و یکی دو نفر دیگر بودند که پس از مشورت‌ها و رایزنی‌ها و اختلاف نظرها سرانجام کار به جایی نرسید و سیروس طاهباز از میان آن‌ها ثابت قدم‌ترین کسی بود که تقریباً کار تدوین و چاپ نوشته‌های نیما را به انتها رسانید و در این میان گاه این کار با هم‌کاری و نظارت شراگیم پسر نیما صورت می‌گرفت و در ایامی که او حضور نداشت طاهباز به تنهایی پیش می‌برد. البته میان طاهباز و فرزند نیما، بعدها اختلاف نظرهایی بروز کرد و ماجرای آن به مطبوعات هم کشیده شد.^{۲۶}

سیروس طاهباز که خودش نیما یوشیج را تنها یک بار در سال ۱۳۳۱ و در نمایش‌گاه نقاشی‌های بهمن محمص دیده بود، با خواندن مقاله «مشکل نیما یوشیج» از آل احمد در مجله علم و زندگی به سلک هواخواهان نیما درآمد و بعدها پس از درگذشت نیما توسط آل احمد به خانواده نیما و دکتر محمد معین، معرفی شد و کار تدوین آثار او را عهده‌دار گردید. طاهباز که به مرور زمان در خواندن خط بسیار ناخوانای نیما یوشیج به تبحر و مهارتی دست یافته بود قبل از این که عمرش به پایان برسد تقریباً اکثر نوشته‌های مهم پیرمرد را به زیور طبع آراسته بود و جز مطالب معدودی که برخی از آن‌ها ارزش چندانی نداشت و بعدها شراگیم به صورتی مغلوط بچاپ رساند، متن چاپ نشده مهمی از نیما باقی نگذاشته بود.

مجموعه کتاب‌های نیما و آثاری که درباره او نوشته شده یا فصلی از آن‌ها درباره زندگی و شعر نیماست افزون بر ۲۵۰ عنوان است. البته در این جمع‌بندی باید از مجموعه‌های گزیده اشعار یا آنتولوژی‌های شعر صرف نظر کرد، چرا که عموماً چاپ و انتشار این گونه آثار تابع معیار و نظمی نیست و حتی از نظر موضوعی هیچ معیار الزام‌آوری در گردآوری آن‌ها وجود نداشته است. البته تعداد بسیار معدودی از این آثار هستند که علاوه بر مقدمه‌های ارزشمندی که در آغاز آن‌ها نوشته شده، از نظر درک ادبی گردآورنده و داشتن الگویی صحیح در خصوص گزینش اشعار و در عین حال صاحب

نظر بودن مؤلف، قابل ملاحظه و حائز اهمیت هستند. یکی از مقبول‌ترین این آنتولوژی‌هایی که مورد تایید عموم دست‌اندرکاران شعر نو قرار گرفت، گزینه‌ای است که فروغ فرخزاد از شعر معاصر ترتیب داد.^{۲۷} بنابراین تعدادی از این آنتولوژی‌ها را به دلایل پیش گفته باید در زمرهٔ مآخذ نیماشناسی قرار داد. پس از هشت‌رودی، فروغ فرخزاد و یکی دو تن دیگر بعدها هم گزینه‌های ارزشمندی از شعر معاصر که صاحب نظران شعر معاصر جمع‌آوری و تدوین کردند و برای نمونه می‌توان به اثر دو جلدی «شعر نو از آغاز تا امروز»^{۲۸} اشاره کرد که ضمن مقدمه‌ای جامع؛ گزینه خوبی از شعر معاصر را بدست می‌دهد، به گونه‌ای که می‌تواند برای جست و جو کننده مبتدی، بخوبی ترسیم کنندهٔ سیمای شعر نو فارسی از نیما تا زمان حاضر باشد. البته آثار ارزشمند در این زمینه بیش از این‌هاست که برای پرهیز از تطویل، از ذکر نام آن‌ها خودداری می‌شود.

گروه دیگری از کتاب‌های پرشمار نیمایوشیج گزینه‌هایی است که از شعرهای او به شکل‌ها و بهانه‌های مختلف منتشر شده است، چاپ و انتشار این آثار در سال‌های اخیر که زمان قانونی سی سال حق تملک آثار نویسندگان توسط وراثت آن‌ها به اتمام رسید و دست ناشران در انتشار آثار نیما باز شد، سرعت بیش‌تری گرفت.

علاوه بر این تحلیل و بررسی بخشی از اشعار نیما، نقد شعرهای نیما با رویکردهای مثبت و منفی و تجزیه و تحلیل شعر نو همراه با نگرشی جامع و عمده به آثار و عمل کرد ادبی نیما از دیگر موضوعاتی است که در کتاب‌های فراوانی مورد علاقه منتقدان و نویسندگان قرار گرفته است.

اکنون تعداد نوشته‌هایی که درباره نیما به رشته تحریر درآمده، به قدری زیاد است که نیازمند پژوهشی اساسی در زمینه تدوین کتاب‌شناسی این موضوع است. البته پیش از این چند کتاب‌شناسی در این باره تهیه شده است که هرچند هر کدام دارای نکات برجسته و قابل ملاحظه‌ای هستند، اما به لحاظ علمی و روش تدوین دارای ضعف‌هایی هستند که شتاب‌زدگی در تهیه یکی از این ضعف‌ها بشمار می‌رود. این مجموعه‌ها، هر کدام حاوی فهرستی از کتاب‌های منتشر شده دربارهٔ نیماست؛ «کتاب‌شناسی نیمایوشیج»^{۲۹} به کوشش علی میرانصاری و «کتاب‌شناسی نیمایوشیج»^{۳۰} به کوشش حسین صمدی از مهم‌ترین این آثار هستند.

شایان ذکر است، در برخی از کتاب‌هایی که دربارهٔ نیما به رشته تحریر درآمده، تلاش‌هایی پراکنده برای فهرست کردن مقالات مرتبط با نیما صورت گرفته است که بسیار محدود بوده و وافی به مقصود نیست. نمونهٔ این فهرست را می‌توان در کتاب «در تمام طول شب»^{۳۱} ملاحظه کرد. بخشی از این اثر علاوه بر فهرست آثار نیما، شامل

فهرست و نشانی روزنامه‌ها و نشریاتی است که شعر یا مطلبی از نیما در آن‌ها بچاپ رسیده است.
با این اوصاف جای تحقیق‌هایی اساسی درباره کتاب‌شناسی نیمایوشیج خالی است.

پی‌نوشت:

۱. آهو و پرندگان، نیمایوشیج، با نقاشی‌های بهمن دادخواه، تهران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، پنجم، آذرماه ۱۳۵۸.
۲. توکایی در قفس، نیمایوشیج، برای گروه سنی «ج»، نقاشی از بهمن دادخواه، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، نهم، اسفندماه ۱۳۶۶ (اول اسفند ۱۳۵۰)، در قطع خشتی بزرگ (دهم ۱۳۷۳، یازدهم ۷۵).
۳. اسنادی درباره نیمایوشیج، به کوشش علی میرانصاری، سازمان اسناد ملی ایران، پژوهش‌کده اسناد (به مناسبت یک‌صدمین سالروز تولد نیمایوشیج)، اول ۱۳۷۵، ص ۸۹-۱۲۳.
۴. همان.
۵. ورتنر، گوته، ترجمه محمد صفارزاده، تهران، بی‌نا، ۱۳۰۳.
۶. نامه نیما به شین. پرتو و جواب او به نیما در مجموعه‌ها و نشریات بسیاری منتشر شده است و در مجموعه نامه‌های نیمایوشیج هم مندرج است. برای اطلاع از متن این نوشته از جمله می‌توان مراجعه کرد به: بازی‌های هستی، شین. پرتو، (دونامه از نیمایوشیج به شین. پرتو و از شین. پرتو به نیمایوشیج)، تهران، محمدعلی علمی، اول، اردی‌بهشت، ۱۳۴۷.
۷. حرف‌های همسایه، نیمایوشیج، تهران، دنیا، اول، ۱۳۵۱.
۸. درباره شعر و شاعری (از مجموعه آثار نیمایوشیج)، گردآوری، نسخه‌برداری و تدوین سیروس طاهباز، با نظارت شراگیم یوشیج، تهران، دفترهای زمانه، اول ۱۳۶۸، ص ۹-۱۰.
۹. عطا و لقای نیمایوشیج، مهدی اخوان ثالث، تهران، زمستان، اول ۷۶.
۱۰. بدعت‌ها و بدایع نیمایوشیج، مهدی اخوان ثالث، تهران، زمستان، اول ۱۳۷۶.
۱۱. راهیان شعر/امروز ۱، داریوش شاهین، بی‌نا، سوم.

۱۲. منتخبات آثار از نویسندگان و شعرای معاصرین، محمد ضیاء هشت‌رودی، تهران، بروخیم، ۱۳۴۲ قمری.
۱۳. از آن میان می‌توان به مقاله مفصل «مشکل نیمایوشیج» که راه‌گشای مقاله نویسی آل احمد درباره نیمایوشیج است نام برد. در پی این مقاله، ع. پرتو علوی به عنوان مخالف این موضوع، مقالاتی را در مجله «ایران ما» با عنوان افسانه نیما نوشت که باب مجادلات قلمی آل احمد و پرتو علوی را گشود. عمده این مقالات در این اثر گردآمده است: یادمان نیمایوشیج، زیر نظر محمدرضا لاهوتی، به کوشش سیروس طاهباز، مؤسسه فرهنگی گسترش هنر، اول، آذرماه ۱۳۶۸.
۱۴. مقاله‌های «سند باد غایب، سروده محمدعلی سپانلو» و «درباره شب‌های نیمکتی، روزهای باد (نقدی بر کتاب محمدرضا اصلانی)» در: ادب و هنر امروز ایران، کتاب یکم: ادبیات چیست؟ - شعر (مجموعه مقالات ۱۳۴۸-۱۳۲۴). جلال آل احمد، زیر نظر شمس آل احمد، پژوهش و ویرایش: مصطفی زمانی نیا، تهران، میترا و هم-کلاسی، اول ۱۳۷۳.
۱۵. خانه‌ام/بری است: (شعر نیما از سنت تا تجدد)، تقی پور نامداریان، تهران، سروش، اول ۱۳۷۷.
۱۶. داستان دگردیسی (روند دگرگونی‌های شعر نیمایوشیج)، سعید حمیدیان، تهران، نیلوفر، اول، تابستان ۱۳۸۱.
۱۷. نخستین کنگره نویسندگان ایران، تیرماه ۱۳۲۵، تهران، بی‌نا، ۱۳۲۶.
۱۸. چشم‌انداز شعر نو فارسی (مقدمه‌ای بر شعر نو، مسائل و چهره‌های آن)، حمید زرین کوب، تهران، توس، اول ۱۳۵۸.
۱۹. صور و اسباب در شعر امروز ایران، اسماعیل نوری علا، تهران، بامداد، اول ۴۸.
۲۰. پیش‌گامان نقد ادبی، دکتر محمد دهقانی، تهران، سخن، اول ۱۳۸۰.
۲۱. در پس/برها، مصطفی زمانی نیا، تهران، کتاب سیامک، اول ۱۳۷۶.
۲۲. از جمله در این باره می‌توان به مجله آرش، شماره دوم، ویژه نیمایوشیج اشاره کرد که در آن تعدادی از آثار و نامه‌های نیمایوشیج برای اولین بار منتشر شد.
۲۳. یادمان نیمایوشیج، زیر نظر محمدرضا لاهوتی، به کوشش سیروس طاهباز، مؤسسه فرهنگی گسترش هنر، اول، آذرماه ۱۳۶۸.
۲۴. نیمایوشیج، زندگانی و آثار او، دکتر ابوالقاسم جنتی عطایی، تهران، صفی‌علیشاه، دوم، آذرماه ۱۳۴۶، (اول ۱۳۳۴، ۲۰۴ ص).

۲۵. ارزش احساسات (مقالات تحقیقی - با حواشی ابوالقاسم جنتی عطایی، تهران، صفی علی‌شاه، اول، خرداد ۱۳۳۵.
۲۶. در این باره رجوع شود به: یک سالاد خانوادگی (نگاهی به مجموعه شعرهای نو، غزل، قصیده و...)، سیروس طاهباز، نشریه آدینه، ش ۱۲۹، ۱۶ مرداد ۷۷، ۴۴ تا ۴۶.
۲۷. از نیما تا بعد (برگزیده‌ای از شعر امروز ایران با انتخاب فروغ فرخزاد) گردآورنده: فروغ فرخزاد، به اهتمام مجید روشنگر، تهران، مروارید، هفتم ۷۷.
۲۸. شعر نو از آغاز تا امروز (۱۳۰۱ - ۱۳۷۰)، محمد حقوقی، تهران، ثالث و یوشیج، دوم خرداد ۷۷.
۲۹. کتاب‌شناسی نیمایوشیج، به کوشش علی میرانصاری، تهران، مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، اول ۱۳۷۵.
۳۰. کتاب‌شناسی نیما یوشیج، تهیه و تدوین: حسین صمدی، کانون فرهنگ و هنر مازندران، بهار ۱۳۶۹.
۳۱. در تمام طول شب (شرح چهار شعر بلند نیمایوشیج)، عبدالمحمد آیتی و حکیمه دسترنجی، تهران، آهنگ دیگر، اول ۱۳۸۳.